

تحلیل جامعه شناختی زلزله شهر بم

فریدون وحید*

امیرسلطانی نژاد**

ایوب سلطانی نژاد***

چکیده

پی آمد ابتدایی زلزله ی مهیب پنجم دی ماه یک هزار سیصد هشتاد دو شهر بم، کشته شدن بیش ازسی هزار نفر و بی خانمان شدن صدها هزار نفر از قربانیان این حادثه بود. اگر چه زلزله در حیطه ی مباحث جامعه شناسی قرار ندارد؛ ولی بعد از وقوع، به سبب آثاراجتماعی گوناگون از جمله از هم گسیختگی سازمان و روابط اجتماعی و اختلال در نظم اجتماعی به موضوعی جامعه شناختی بدل می شود. با وجود آسیب های اجتماعی زلزله، بیشتر به خسارات مالی و جسمانی آن پرداخته شده و پیامدهای اجتماعی آن کمتر مورد توجه بوده است. بدین منظور مقاله حاضر بر آن شد که پیامدهای جامعه شناختی زلزله در شهر بم را در دو بخش واکنش های جمعی و دگرگونی های اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. این نوشتار، مقوله های مربوط به واکنش های جمعی را در میان ۲۲۰ آزمودنی دختر و پسر مقطع متوسطه شهر بم با روش نمونه گیری تصادفی ساده و ابزار پرسشنامه به محک آزمون نهاده است. سنجش معرف های دگرگونی های اجتماعی نیز با ابزار مشاهده و مصاحبه مورد نظر است. یافته ها حکایت از آن دارد که بعد از زلزله روحیه تقدیر گرایی، همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین حادثه دیدگان افزایش یافته، همچنین زلزله، دگرگونی ها و تغییراتی از جمله فروپاشی تقسیم کار اجتماعی، تخریب شبکه های مردمی، آسیب پذیری خانواده و عدم سازش ساخت ها را به همراه داشته است.

واژگان کلیدی: بم، زلزله، فاجعه، آسیب پذیری، دگرگونی های اجتماعی، واکنش های جمعی

* دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه اصفهان

Email: Mosa.soltani@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی

*** کارشناس ارشد مدیریت بحران

زندگی بشر همواره با دو گونه مسأله‌ی عام پیش‌بینی پذیر طبیعی و انسانی مواجه است. در پیدایش بلایای طبیعی برخلاف مسایل انسانی، دست بشر چندان در کار نیست و این حوادث هر از گاهی رخ می‌دهند و فاجعه‌های دلخراشی می‌آفرینند. از نظر غافل‌گیری و عدم پیش‌بینی پذیری، زلزله جایگاه نخست را در میان تمامی بلایای طبیعی به خود اختصاص داده است. کشور ایران به دلیل قرارگرفتن روی کمربند زلزله یکی از زلزله‌خیزترین مناطق دنیا است و به طور میانگین هفته‌ای یک بار زلزله‌ای بالای سه ریشتر را تجربه می‌کند. نگاهی به آمار زلزله در ایران نشان می‌دهد که در صد سال اخیر حدود ۴۰ زلزله، به طور متوسط هر ۲/۵ سال یک زمین لرزه، به بزرگی ۶/۵ ریشتر رخ داده است. مناطقی چون تربت حیدریه، شیروان، لاریجان، رودبارگیلان، طبس، سیرج کرمان و بم مهمترین آن‌ها بودند که در این وقایع بیش از ۱۷۰ هزار نفر از ایرانیان جان خود را از دست دادند (گزارش مؤسسه ژئوفیزی (۱۳۸۳:۵۴)). اگر چه بلایای طبیعی در ابتدا موضوع کنکاش مباحث جامعه‌شناختی نیست؛ اما به سبب وقوع اتفاقات پس از آن، این علم می‌تواند به این موضوع وارد شود. پیامدهای اجتماعی حوادث عظیمی چون زلزله، برساخته شدن «آنومی»^۱، «نابسامانی» و «عدم تعادل اجتماعی» است. چراکه به هم خوردن الگوهای مرسوم و متعارف زندگی اجتماعی و فروپاشی نظم موجود، تأخیر ساختارها و نهادهای اجتماعی در عدم تطابق با شرایط و پاسخ به انتظارات و نیازهای بوجود آمده را در پی خواهد داشت. چنین شرایط و آثار اجتماعی است که ورود علم جامعه‌شناسی مشروعیت می‌بخشد. براین اساس زلزله نه تنها رویدادی زمین‌شناسی است، بلکه مسأله‌ای به غایت جامعه‌شناختی نیز هست. با این وجود، متأسفانه سیاست‌گذاری‌های کلان دولتی و بین‌المللی در برخورد با زلزله بیشتر معطوف به پیامدهای جسمانی و مالی این واقعه است و عوارض اجتماعی آن کمتر مورد توجه بوده است. گواه این مدعا، تعریفی است که دفتر سازمان ملل متحد از فاجعه ارائه کرده است. در این تعریف، «کشته شدن ده نفر با خسارات مالی بالغ بر یک میلیون دلار، یکی از معیارهای فاجعه قلمداد گردیده و حتی اشاره‌ای به عوارض اجتماعی و رفتاری قربانیان نشده است. در حالی که این حوادث، در طول تاریخ عوارض شدید و دیرپایی را از خود بر جای گذارده‌اند» (پیران، ۱۳۸۲: ۲۰).

در این راستا، طرح و بررسی شناخت پیامدهای زلزله از چشم انداز جامعه‌شناسی، می‌تواند بیانگر پاسخ به مدیریت‌های جدیدی باشد که در جهت نیل به یک انتظام سالم و عاری از تعارضات بلایایی چون زلزله گام بر می‌دارند. این پیامدها از جهات مختلف قابل بررسی است؛ اما هدف نوشتار مذکور، شناخت آن‌ها در دو بخش الگوهای رفتاری و دگرگونی‌های اجتماعی و ارائه‌ی راهکارها و خط‌مشی‌های عملی است تا مدیران و تصمیم‌گیران با تکیه بر نتایج به دست آمده در یابند که به منظور تحقق شرایط مطلوب پس از حادثه، چه نوع اهرم‌هایی بایستی مورد استفاده قرار گیرد و از کدام شیوه‌ها می‌بایست پرهیز شود.

جامعه‌شناسی فاجعه، رهیافتی مبتنی بر نظریه و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی است که ابعاد اجتماعی رفتار انسان‌ها را به طور سیستماتیک در نظر می‌گیرد. این رهیافت به آسیب‌پذیری، واکنش جوامع، دگرگونی‌های اجتماعی و تأثیرات آسیب بر رفتار افراد در ابعاد اجتماعی می‌پردازد. به طور کلی این شاخه از جامعه‌شناسی، به دنبال مشخص نمودن این مسأله است که در شرایط فاجعه چه متغیرهایی بر ساختار یک نظام اجتماعی و روابط درون آن تأثیر می‌گذارد و همچنین با فرض عدم امکان جلوگیری از بروز یک واقعه فیزیکی مانند زلزله، چه اقداماتی باید انجام داد که از تبدیل شدن حادثه به فاجعه ممانعت شود. از عمده‌ترین مشکلات در مواجهه با مصایب جمعی، عدم توجه به شرایط فاجعه‌زدیدگاه جامعه‌شناسانه است، که مطالعات مربوط به این حوزه یکی از شاخه‌های ناشناخته جامعه‌شناسی است. جالب توجه آن‌که در اکثر لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های جامعه‌شناسی اشاره‌ای نیز به آن نگردیده است. علت اصلی عدم علاقه جامعه‌شناسان به فاجعه، منبعث از برداشت‌های نادرست در باب علم شناخت جامعه یا جامعه‌شناسی است. تعدادی از جامعه‌شناسان بر این باور بودند که این شاخه از دانش بشری، به بررسی الگوهای تکرار شونده فعالیت‌های انسانی می‌پردازد و فاجعه با پایداری ناشی از الگوهای تکرار شونده، در تناقض است. لذا از دید آنان، فاجعه با جریان عادی زندگی اجتماعی در تضاد است و پس از وقوع، زندگی را دچار وقفه می‌کند، هرج و مرج می‌آفریند، ساخت اجتماعی را از هم می‌پاشد و بی‌نظمی را به جای نظم اجتماعی می‌نشانند (پیران، ۱۳۸۳). بر اساس چنین باوری، شاخه‌ای به نام جامعه‌شناسی فاجعه،

^۱ - anomie

تا دهه ۱۹۲۰ وجود خارجی نداشت؛ تا اینکه برای اولین بار در سال ۱۹۲۰ یک دانشجوی دکتری به نام «اس. اچ پرنس»^۱ در بندر های فاکس کانادا، تحقیقی در مورد تأثیر انفجار کشتی مهمات بر ایجاد تغییرات اجتماعی منطقه انجام داد. وی تلاش نمود حالات رفتاری مردم منطقه را با رویکرد روان شناختی و جامعه شناختی مورد مذاکره قرار دهد. پس از آن در سال ۱۹۳۵ «پراساد»^۲ در پژوهشی در باب شایعه به هنگام زلزله ۱۹۳۴ هند، به موضوع دراماتیزه کردن فاجعه پرداخت. مطالعه «کو تاک» در سال ۱۹۳۷ درباره آثار اجتماعی سیل، تحقیق «میرا»^۳ در زمینه پیامدهای روانی بمباران مناطق مسکونی در جریان جنگ داخلی اسپانیا از جمله تحقیقات انجام شده در زمینه جامعه شناسی فاجعه بودند که به روش شناسی پژوهش در حوادث طبیعی و نقش جنگ بر همبستگی اجتماعی پرداخته اند. اولین گام در زمینه نظریه سازی در جامعه شناسی فاجعه، توسط «پیتیریم سورکین»^۴ با انتشار کتاب «انسان و جامعه در مصیبت»^۵ برداشته شد. وی معتقد بود، فاجعه به فرآیندهای روانی و ذهنی سازمان های اجتماعی و فرهنگی جمعیت در معرض حادثه، اثری پایدار دارد. به اعتقاد سوروکین (۱۹۴۲) بعد از زلزله، آسیب دیدگان مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس اعتقادات، ارزش ها و عواطف سروسامان می دهند و روحیه تقدیرگرایی از جمله این احساسات و عواطف است. رسمیت یافتن و نهادینه شدن جامعه شناسی فاجعه، علاوه بر کوشش های یاد شده، مدیون اندیشمندانی مانند «کوواران تلی»^۶ (۱۹۹۶)، «فردریک بتس»^۷ (۱۹۸۲) و «فریتز»^۸ (۱۹۷۲) نیز هست. فریتز به همراه کوواران تلی، پروژه تحقیقاتی فاجعه را برای «مرکز ملی پژوهش در عقاید» وابسته به دانشگاه شیکاگو سازمان دهی کرده اند. همچنین فریتز (۱۹۷۲) فاجعه را یک فشارزای روانی واجتماعی می داند که پی آمد آن عدم تعادل بین نیازهای محیط و پاسخدهی به ارگانسیم است. وی مهمترین آسیب فاجعه را فروپاشی تقسیم کار اجتماعی و یا برهم خوردن تعادل و هماهنگی اجتماع می داند که این فروپاشی و عدم تعادل به مثابه عامل تهدیدکننده اجتماع به شمار می رود. «همچنین زلزله، اتفاق غیرقابل کنترلی است که در زمان و مکان خاصی روی می دهد و خطر یا تهدید را در جامعه یا بخش های نسبتاً وسیعی از آن به وجود می آورد؛ مخاطرات شدید بر اجتماع تحمیل می کند و از تمام یا حداقل بخشی از کنش های جامعه جلوگیری و ممانعت به عمل می آورد» (نجاریان و براتی، ۱۳۷۹: ۳۱). با توجه به نوپا بودن جامعه شناسی فاجعه، پرداختن بدین حوزه مطالعاتی حالتی دوگانه در محقق و به دنبال آن مخاطب و علاقمندان علمی آن ایجاد می کند. یک طرف، تحلیل شرایط بحرانی از منظر جامعه شناسی است که حالتی بسیار مجرد و انتزاعی دارد و سوی دیگر، معطوف به نظریات بسیار محدود جامعه شناسی فاجعه است که کار را بسیار مشکل می کند. با این وجود واکاوی پیامدهای جامعه شناختی زلزله در دیدگاه های ساختی، کارکردگرایی و کنش متقابل نمادین دور از دسترس نیست.

جامعه شناسی نظم، جامعه را همچون یک کل متشکل از عناصر و نهادهای بسیاری از جمله خانواده، دولت می داند که هر کدام از این عناصر کارکردی برای کل دارند. کارکرد گرایان ساختاری بر این باورند وجود نظم در جامعه مستلزم عمل به وظایف توسط اجزا نظام اجتماعی است. بر اساس دیدگاه «هربرت اسپنسر»^۹ (ادیبی و انصاری، ۱۳۵۸)، نظام اجتماعی مانند ارگانسیم موجود زنده زنده است که تغییر در یک جزء، دگرگونی در سایر اجزاء را در پی دارد. در هنگام وقوع زلزله نه تنها اجزاء، کارکرد خود را از دست می دهند و تغییر می کنند؛ بلکه کل نظام اجتماعی دچار تغییر و دگرگونی می شود و در انجام کارکردها خود با مشکل مواجه می شود. همچنین کارکردگرایان بر نقش هنجارها در جامعه تاکید می کنند؛ چرا که تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد نظم از مهمترین

^۱ - H.prince

^۲ - Prasad

^۳ - Mira

^۴ - P. Sorokin

^۵ - Man and Society in Calamity

^۶ - Qkarantelle

^۷ - F. Bates

^۸ - Frtz

^۹ - Herbert Spencer

کارکردهای هنجار است. به اعتقاد «امیل دورکیم»^۱ پیامد از هم گسیختگی هنجارها و نیروهای نظارت گر اجتماعی وقوع شرایط بی هنجاری در جامعه است. البته از نظر تجربی، بی هنجاری یا بی ضابطگی کامل، امکان پذیر نیست، اما جوامع گوناگون را می توان بر حسب زیادی یا کمی درجات تنظیم های هنجار بخش از یکدیگر متمایز نمود. وانگهی، «درچارچوب هر جامعه خاص، گروه هایی با درجات متفاوت بی هنجاری می توانند وجود داشته باشند. دگرگونی اجتماعی می تواند در کل جامعه یا بخش هایی از آن، بی هنجاری ایجاد کند. هرگونه تحرک و تغییر سریع در ساختارهای اجتماعی که به از هم پاشیدگی شبکه ها بیانجامد، احتمال وقوع بی هنجاری را قوت می بخشد» (کوزر، ۱۹۲: ۱۳۷۳). بی هنجاری رامی توان وضعیتی دانست که هنجارهای معینی جهت پیروی افراد از آن ها وجود ندارد. یکی از عوامل بر ساخته نمودن بی هنجاری، بحران است. دورکیم نیز چنین موضوعی را با تحلیل تاثیر بحران های اقتصادی بر بی هنجاری جامعه مورد مذاقه قرار داده است. درحالی که زلزله، بحرانی به مراتب مخرب تر و شدیدتر از بحران اقتصادی است. در شرایط زلزله، جامعه نه تنها از هنجارهای متعارف خود پیروی نمی کند؛ بلکه نوعی تغییر در نظام ارزشی و ساختی جامعه همراه با دگرگونی های معنادار به وجود می آید.

با رویکرد گیدنز^۲ (۱۳۸۳)، تشخیص این دگرگونی معنادار، آن است که نشان دهیم چه اندازه در ساختار زیربنایی یک شی یی موقعیت خاص اجتماعی، تغییر به وجود آمده، و تأثیرات این دگرگونی بر ساخت کلی نظام، به چه ترتیب خواهد بود. به اعتقاد گیدنز، «در مورد جوامع انسانی برای تعیین این که یک نظام تا چه اندازه و به چه شیوه هایی تغییر می کند، باید نشان دهیم، تا چه اندازه تغییر در نهادهای اساسی، طی یک دوره معین با یک فرایند طبیعی غیرقابل پیش بینی، به وجود آمده است» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۷۱). بر اساس این گفته، جهت سنجش میزان تغییرات بوجود آمده بر اثر زلزله می توان تغییرات و دگرگونی های ایجاد شده در خانواده؛ از جمله تغییر در ساختار خانواده با مرگ یکی از والدین و تبدیل شدن خانواده گسترده به هسته ای را مورد توجه قرار داد. همچنین جامعه شناسان نظم اهمیت زیادی به تقسیم کار در جامعه قائل هستند. «دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی خود، تمایز پذیری مشاغل متعدد و فعالیت های صنعتی را مظهري از تمایز پذیری اجتماعی می داند که با تغییر و تحولات جامعه، آن نیز تغییر و تحول می یابد» (آرون، ۱۳۸: ۱۳۸۱).

براین اساس، زلزله را می توان یکی از عوامل تغییر و تحول نامید که سبب می شود تقسیم کار اجتماعی، دستخوش دگرگونی اساسی شود. اگر چه زلزله یک پدیده طبیعی است؛ اما بعد از وقوع، به دلیل آثار اجتماعی متعددی که دارد بدل به یک پدیده اجتماعی می گردد و موجب به هم ریختگی کارکرد و ساختارهای نظام اجتماعی و نهادهای درونی آن می شود. بر این مبنا، با عاریت گرفتن آراء نظریه پردازان جامعه شناسی نظم و کارکردگرایی ساختاری، تحلیل تغییر و تحولات صورت گرفته در کارکرد و ساختار نهاد ها، نظام ارزشی و تقسیم کار جوامع ناشی از زلزله دور از ذهن نخواهد بود. همچنین توجه به دیدگاه کنش متقابل نمادین در تحلیل کنش ها و واکنش های آسیب دیدگان، پس از زلزله به منظور شکل دهی مجدد به نظام ارزشی و ساخت های اجتماعی مورد نظر است.

در این پژوهش دو سوال مورد بررسی است که سوال اول شامل چند فرضیه نیز می باشد

۱- زلزله چه تاثیراتی بر واکنشهای جمعی افراد حادثه دیده گذاشته است؟

فرضیه اول: به نظر می رسد بعد از وقوع زلزله، همبستگی افراد فاجعه دیده بیشتر می شود.

فرضیه دوم: به نظر می رسد بعد از وقوع زلزله، مشارکت اجتماعی افراد زلزله دیده بیشتر می شود.

فرضیه سوم: به نظر می رسد بعد از زلزله، روحیه تقدیر گرایی در میان افراد حادثه دیده افزایش می یابد.

۲- زلزله چه تغییرات و دگرگونی های اجتماعی ایجاد کرده است؟

روش

زمانی که تحقیقات جامعه شناسی آغاز گردید، روش های تحقیق در جامعه شناسی، تأکید بسیار زیاد بر اندازه گیری هر چه دقیق تر متغیرها داشت. این تأکید موجب ابداع مقیاس های متفاوت اندازه گیری، کاربرد تکنیک های نمونه گیری و تعیین روش های

^۱ - Email Durkheim

^۲ - Giddens

استاندارد برای جمع‌آوری اطلاعات گردید. کاربرد این تکنیک‌ها همواره از نظر علمی مورد احترام بوده و هست. ولی واقعیت و تجربیات به دست آمده تأیید می‌نماید که در مطالعات مربوط به فاجعه، قابلیت استاندارد کردن، تعمیم دادن، استفاده از روش‌های تحقیق، نمونه‌گیری و کاربرد روش‌های جمع‌آوری اطلاعات نظیر پرسشنامه نه تنها امکان‌پذیر نیست بلکه می‌تواند گمراه‌کننده باشد. از این رو بهترین روش جمع‌آوری اطلاعات در فاجعه، ترکیبی از روش‌های زیر می‌باشد:

- مشاهده آنچه اتفاق می‌افتد؛ شامل فعالیت‌های امدادی، آثار فاجعه بر فعالیت‌های اقتصادی، گروه‌های اجتماعی و نهادها.

- مصاحبه ژرف با آسیب‌دیدگان و با کسانی که در فعالیت‌های امداد مستقیماً مشارکت داشته‌اند.

- جمع‌آوری اطلاعات قابل دسترس از خسارت‌ها و تأثیرات اجتماعی فاجعه.

با این وجود، از روش‌های متنوعی که مکمل یکدیگرند استفاده نموده ایم. در بخش مربوط به واکنش‌های جمعی از پرسشنامه و مشاهده مشارکتی استفاده شده و در بخش مربوط به دگرگونی‌های و تغییرات اجتماعی از مصاحبه مطالعه اسنادی و مشاهده مشارکتی سود جسته ایم.

جامعه مورد مطالعه این بررسی، دانش‌آموزان متوسطه عمومی دولتی شهر بم می‌باشد که تعداد آن‌ها در سال تحصیلی ۱۳۸۷، ۲۱۶۴ نفر بوده است. جمع‌آوری داده‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و تعیین حجم نمونه با فرمول کوکران مورد نظر بود. مدارس منتخب نیز مدارسی بودند که در مرکز زلزله قرار داشتند.

$$n = 1 + \frac{\frac{1/96^2 (0/8)(0/2)}{0/5}}{\frac{1/96^2 (0/8)(0/2)}{0/5^2} - 1} = 220$$

در سطح اطمینان ۹۵ درصد $t = 1/96$

حجم جامعه آماری $N = 2164$ فاصله اطمینان $d = 0/5$

احتمال وجود صفت آماری مورد مطالعه در جامعه $p = 0/8$

احتمال عدم وجود صفت مورد مطالعه در جامعه $q = 0/2$

مقادیر p و q پراکندگی صفات آماری را نشان می‌دهند، بنابر نظر دواس انتخاب متغیر اعم از مستقل و وابسته در تعیین مقادیر p و q اولویتی بر هم ندارند و می‌توان در تعیین مقادیر p و q یکی از متغیرهای مستقل و وابسته را انتخاب نمود (دواس، ۱۳۸۳). در این تحقیق متغیر مستقل زلزله و میزان آسیب‌پذیری از زلزله می‌باشد با توجه به مطالعات پیشین، که به کمک ۳۰ پرسشنامه انجام گرفت، بیش از ۸۰ درصد افراد مد نظر آسیب‌دیده بودند، پس احتمال وجود صفت آماری برابر $0/8$ و q مبنی بر عدم وجود صفت آماری برابر با $0/2$ گرفته شده است. بنابراین حجم نمونه برابر ۲۲۰ نفر می‌باشد که بیانگر تعداد کسانی است که در این تحقیق برای تکمیل کردن پرسشنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی است. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، به توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه پرداخته شده و در سطح آمار استنباطی، متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آماری از آزمون T-Test استفاده شده است در این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری که نوعی اعتبار محتوایی است استفاده شده است. "منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است" (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۷). بدین منظور از نظریات متخصصان و کارشناسان جامعه‌شناسی در زمینه منطبق بودن محتوای سوالات با ویژگی‌های مورد نظر استفاده شده است. همچنین در این تحقیق برای تعیین روایی معرف‌های، همبستگی اجتماعی، روحیه تقدیر گرایی و مشارکت اجتماعی، پیش

آزمونی از آن برای ۳۰ نفر از حادثه دیدگان شهر بم که عضو جامعه آماری بودند به طور تصادفی اجرا شده و پاسخ های پرسشنامه پیش آزمون به وسیله نرم افزار SPSS پردازش گردید، که نتیجه این پردازش و روایی های بدست آمده در جدول زیر بازگو شده است.

جدول شماره ۱: نتایج تحلیل روایی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه ها	ضریب روایی
همبستگی اجتماعی	۵	.۰۷۲
مشارکت اجتماعی	۶	.۰۷۱
روحیه تقدیرگرایی	۶	.۰۷۴

متغیر مستقل در این تحقیق زلزله، یکی از ویران کننده ترین و ترسناک ترین پدیده های طبیعی است که بر نواحی و محل اسکان آدمی تأثیر بسیار شدیدی دارد و تمامی خدمات اجتماعی و خدمات جوامع زلزله زده را به هم می ریزد. امواج زلزله و زمین لرزه ها با حرکاتی همچون عقب و جلو رفتن و کشیدگی و رهاشدن به جلو حرکت می کنند به علاوه امواج شکننده و ناگهانی هم روی می دهند. زلزله دارای سه نوع مایل، عمودی، افقی است که میزان خرابی عمودی بیشتر از دیگر نوع ها است. در این مطالعه، میزان آسیب پذیری زلزله به وسیله معرف های چون تعداد اعضای و والدین فوت شده در زلزله مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. متغیرهای وابسته این پژوهش، دگرگونی های اجتماعی و همچنین واکنش های جمعی می باشند. واکنش های جمعی، خود در بردارنده معرف های همبستگی اجتماعی، روحیه تقدیر گرایی و مشارکت اجتماعی است.

" دگرگونی اجتماعی، به معنای عمل گذشتن از حالتی به حالت دیگر است. همچنین تبدلات پدید آمده در آنچه دگرگون می شود، با این واژه به ذهن می آید" (بیرو^۱، ۱۳۷۵: ۳۴۱).

اصطلاح کلی دگرگونی را می توان در معنای تغییر محدود اجتماعی به کار برد. به منظور سنجش تغییرات و دگرگونی های اجتماعی بعد از زلزله از معرف هایی از جمله فروپاشی تقسیم کار اجتماعی، تغییر در هنجارهای حاکم، تخریب شبکه های مردمی و خانوادگی و تضعیف موقعیت زنان در مقایسه با مردان استفاده شده است. واکنش های جمعی: انعکاس شرایط غیر عادی (بحران) در زندگی جمعی افراد را واکنش های جمعی می گویند که شامل معرف های ذیل می باشد:

۱. مشارکت اجتماعی: « مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن است» (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). به عبارتی « مشارکت به مفهوم فعالیت ارادی اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم است که جهت شکل دادن به حیات اجتماعی و سیاسی صورت می گیرد» (پناهی، ۱۳۸۱: ۱۴). علوی تبار نیز با بیان این که جوهره اصلی مشارکت، یادگیری، فعالیت و تأثیر پذیری است، مشارکت را این گونه تعریف می نماید: « درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیتهای گروهی است که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.» (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۹). « مشارکت، شرکت همه افراد ذینفع در همه ابعاد برنامه ریزی، تصمیم گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف می باشد» (زند رضوی، ۱۳۸۳ ص ۵).

^۱ - Birou

در این تحقیق برای سنجش مفهوم مشارکت اجتماعی و تأثیر زلزله بر آن دیدگاه‌های نوجوانان درباره این سوالات پرسیده شده است:

- مسئولیت پاکیزه نگه داشتن شهر تنها بر عهده‌ی مأموران شهرداری است.
- در اثر مشارکت جمعی، کارها به سرعت پیش می‌رود.
- جهت نظم دهی به امور، نیاز به یک شورای محلی است.

۲. روحیه تقدیر گرایی: عقیده‌ای است که تمام رویدادها و اتفاق‌ها را غیر قابل برگشت و تعیین شده از قبل می‌داند و به وسیله یک نیروی واحد و فرا طبیعی، انجام می‌گیرد. در این پژوهش به منظور سنجش روحیه تقدیر گرایی آسیب دیدگان از گویه‌های ذیل استفاده شده است:

- زلزله یک نوع عذاب الهی است و به خاطر اعمال انسان‌ها رخ می‌دهد.
- در وقوع زلزله اگر اجل انسان فرا برسد می‌میرد.
- ساختن خانه‌های ضد زلزله هم اثری ندارد.
- زلزله شهر بم عذابی بود از طرف خداوند.

۳. همبستگی اجتماعی: واژه همبستگی از علم فیزیک اقتباس شده است و به مفهوم نیروی نگاه دارنده مجموعه ملکول‌های یک جسم است. «همبستگی رابطه یا نیروی پیوند دهنده افراد داخل یک گروه و همبستگی شبکه نیروهایی است که هدف آن حفظ روابط اعضای گروه، در جهت مقابله با نیروهای تجزیه کننده است» (محسنی، ۱۳۶۸: ۲۱۲). در این مطالعه به منظور تأثیر زلزله بر همبستگی اجتماعی افراد حادثه دیده از شاخص‌هایی از جمله «احساس نزدیکی به خاطر یکسان بودن افراد بعد از زلزله»، «احساس همبستگی به خاطر از بین رفتن نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی» و «احساس همبستگی به خاطر سطح روحی یکسان بعد از زلزله» استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق شامل دو بخش است؛ بخش اول به واکنش‌های جمعی بعد از زلزله مربوط است که با استفاده از طیف لیکرت به کمک پرسشنامه استنتاج شده و نتایج پایانی آن به صورت موافق، بی‌نظر و مخالف آرایه می‌شود و بخش دوم، مربوط به دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی ایجاد شده توسط زلزله است.

جدول شماره ۲. مقیاس‌های سنجش متغیرهای تحقیق

متغیر	مفهوم	شاخص
متغیر	زلزله و میزان آسیب پذیری	۱: تعداد اعضای فوت شده در زلزله ۲: والدین فوت شده در

مستقل زلزله	زلزله		
متغیرهای وابسته	همبستگی اجتماعی	۱. برابری از بسیاری جهات باعث احساس نزدیکی به یکدیگر می‌شود. ۲. از بین رفتن نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی، بعد از زلزله باعث همبستگی می‌شود ۳. سطح روحی یکسان باعث احساس همبستگی می‌شود.	
	مشارکت اجتماعی	۱: مسئولیت پاکیزه نگه داشتن شهر تنها بر عهده‌ی مأموران شهرداری است. ۲: در اثر مشارکت جمعی، کارها به سرعت پیش می‌رود. ۳: جهت نظم دهی به امور نیاز به یک شورای محلی است.	
	واکنشهای جمعی	روحیه تقدیر گرایی	۱. در وقوع زلزله اگر اجل انسان فرا برسد می‌میرد، ساختن خانه‌های ضد زلزله هیچ اثری ندارد ۲. زلزله شهر بم عذابی بود از طریق خداوند ۳. زلزله یک نوع عذاب الهی است و به خاطر اعمال انسان‌ها رخ می‌دهد
	تغییرات ودگرگونی های اجتماعی	۱. فروپاشی تقسیم کار اجتماعی ۲. تغییر در هنجارهای حاکم ۳. تخریب شبکه های مردمی ۴. تضعیف موقعیت زنان در مقایسه با مردان ۵. از میان رفتن کارکرد کل برای اجزا ۶. تخریب نهاد خانواده و تغییر در ساختار آن ۷. عدم سازش متقابل میان ساختها	

یافته های مربوط به واکنش های جمعی

نتایج جدول شماره ۳ نشان می دهد که ۶۶/۸ درصد پاسخگویان با همبستگی اجتماعی ایجاد شده بعد از زلزله موافق ۲۲/۷ درصد بی نظر و ۱۰/۵ درصد مخالف بوده اند. همچنین با توجه به آزمون فوق و سطح معنا داری ۰/۰۰۰ چون این مقدار از ۰/۵ کمتر است؛ می توان بیان کرد بعد از زلزله، همبستگی اجتماعی در بین افراد فاجعه دیده افزایش یافته است. در واقع پس از وقوع زلزله، هرچند برای زمانی کوتاه هنجارها و ارزش های معمولی زندگی از هم پاشیده، افراد منزوی و ناامید می شوند و همه چیز را از دست رفته می دانند و به زندگی آینده فکر نمی کنند؛ اما از سوی دیگر، حادثه ی مشترک را می توان عاملی برای ایجاد همبستگی

در بین مردم دانست. زلزله، نابرابری‌های اقتصادی و طبقاتی را برای مدتی کم‌رنگ می‌کند و افراد حادثه دیده چون از بسیاری جهات خود را برابر می‌دانند، احساس نزدیکی می‌کنند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سنجش همبستگی اجتماعی بعد از زلزله

همبستگی اجتماعی		فراوانی	درصد
موافق		۱۴۷	۶۶/۸
بی نظر		۵۰	۲۲/۷
مخالف		۲۳	۱۰/۵
جمع		۲۲۰	۱۰۰

۹۵% Confidence Interval of the Difference					
T	df	Sig. (۲-tailed)	Mean Difference	Lower	Upper
۹/۴۲۹	۲۱۹	.۰۰۰	۱/۷۶۳۶	۱/۳۹۵۰	۲/۱۳۲۳

نتایج جدول شماره ۴ بیان گر آن است که ۵۹/۱ درصد از پاسخگویان با معرف های سنجش میزان مشارکت اجتماعی بعد از زلزله موافق ۲۱ درصد بی نظر و ۱۹/۲ درصد مخالف بوده اند. همچنین با توجه به آزمون فوق، مقدار sig برابر با ۰/۰۰۰ است و چون این مقدار از ۰/۵ کمتر می‌باشد؛ لذا می‌توان بیان کرد میزان مشارکت بعد از زلزله در بین افراد حادثه دیده بیشتر می‌شود. پس از ورود هر آسیب به یک نظام اجتماعی هر چند آن نظام تا ترمیم کامل مدتی دچار آنومی می‌شود و در برخی از آسیب دیدگان برای مدتی نشانه‌های از ناراحتی‌های روانی نمایان می‌شود؛ اما عامل مهمی که در مشارکت افراد حادثه دیده ی شهر بم تأثیر داشت بازسازی شهر بود. با توجه به اینکه ۸۰ درصد ساختمان‌های شهر بم در زلزله تخریب شده بود، برای احیای مجدد شهر به مشارکت افراد نیاز بود همین عامل باعث گردیده روحیه مشارکت در بین افراد فاجعه دیده بیشتر شود.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سنجش مشارکت اجتماعی بعد از زلزله

مشارکت اجتماعی		فراوانی	درصد
موافق		۱۳۰	۵۹/۱
بی نظر		۴۸	۲۱/۷
مخالف		۴۲	۱۹/۱
جمع		۲۲۰	۱۰۰/۰

۹۵% Confidence Interval of the Difference					
T	df	Sig. (۲-tailed)	Mean Difference	Lower	Upper
۹/۹۳۳	۲۱۹	.۰۰۰	۱/۷۴۵۵	۱/۳۹۹۱	۲/۰۹۱۸

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ۵۶/۸ درصد پاسخگویان دارای روحیه تقدیر گرایی بعد از زلزله بالا، ۱۵/۹ درصد متوسط و ۲۷/۳ درصد پایین بوده اند. همچنین با توجه به اینکه، مقدار sig برابر با ۰/۰۳۶ می‌باشد و چون این مقدار از ۰/۵ کمتر می‌باشد لذا می‌توان بیان کرد بعد از زلزله روحیه تقدیر گرایی بین حادثه دیدگان افزایش می‌یابد. زیرا جامعه دچار نوعی آنومی و

سردرگمی ساختاری است، ساختارهای قبلی جامعه تغییر کرده و افراد مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس ملاکها، ارزشها و هنجارها مثل اعتقاد به جبری بودن قضا و قدر الهی و اینکه، زلزله یک نوع عذاب الهی است سر و سامان می دهند.

جدول شماره: ۵ توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب سنجش روحیه تقدیرگرایی بعد از زلزله

درصد	فراوانی	روحیه تقدیر گرایی
۵۶/۸	۱۲۵	زیاد
۱۵/۹	۳۵	متوسط
۲۷/۳	۶۰	کم
۱۰۰/۰	۲۲۰	جمع

۹۵%/Confidence Interval of the Difference					
T	df	Sig. (۲-tailed)	Mean Difference	Lower	Upper
۲/۱۰۸	۲۱۹	۰/۳۶	۰/۳۳۶۴	۰/۲۱۸	۰/۶۵۰۹

یافته های مربوط به تغییرات و دگرگونی های اجتماعی: ۱- از میان رفتن کارکرد کل برای اجزا

برای تبیین یک واقعیت اجتماعی نشان دادن علت های آن کافی نیست؛ بلکه باید در بسیاری موارد عملکرد آن را در شبکه نظم اجتماعی آشکار سازیم. یکی از مهمترین پیامدهای زلزله بم، از میان رفتن کلی بود که اجزاء جامعه را به هم پیوند داده بود. درست است که جامعه، از مجموعه ی افراد تشکیل شده؛ اما افراد بدون در نظر داشتن نقش، پایگاه و موقعیت در یک کل ساختمانند، مفهومی نخواهد داشت. آن گاه که تک تک افراد در شبکه ای از روابط، نقش ها را می پذیرند، ساختمانندی نهادها نیز به این مجموعه می پیوندند و کلی به نام جامعه شکل می گیرد. اما با وقوع زلزله بم، جامعه کارکردها و ویژگی های راکه قبلاً واجد آن بوده را از دست می دهد.

۲. عدم سازش متقابل میان ساخت ها: ساخت گرایان بر نقش ساختار در کنش های اجتماعی تاکید فراوان دارند. حال با فروپاشی فیزیکی جوامع، ساخت قبلی آن جامعه از بین می رود، زیرا جامعه ای که تا دیروز به واسطه ارتباط نهادها بایکدیگر از ساختی قابل تبیین برخوردار بوده، امروز با بروز زلزله از یک طرف تمام ویژگی های قبلی خود را از دست داده و از طرف دیگر افراد تلاش می کنند، کنش های خود را در رابطه با ساخت جدید تنظیم نمایند و در این شرایط افراد دچار سرگردانی و سردرگمی می شوند و گاه رفتاری از آنان سر می زند که قابل پیش بینی و انتظار نیست. این بهت زدگی و سرگردانی بیشتر به دلیل عدم شناخت نسبت به ساخت جدید ایجاد می شود.

۳. فروپاشی تقسیم کار اجتماعی: تقسیم کار اجتماعی بر اثر تمایز، میان تخصص ها ی افراد شکل می گیرد. با گسترش بسترهای اجتماعی، جامعه به افراد با تخصص های مختلف نیاز پیدا می کند و هر کدام از افراد نیز بر اساس نوع تخصص خود، مسئولیتی را پذیرا می شوند. زلزله بم باعث شد تقسیم کار اجتماعی دستخوش دگرگونی اساسی گردد و افراد به صورت موقتی نقش های محول خود را از دست بدهند. برای مثال در این شهر، فروشنده کارگر، دانش آموز، معلم و غیره دیگر نتوانستند در یک سیستم تقسیم کار اجتماعی که بر اساس تخصص ها سازماندهی شده بود به فعالیت قبلی خود ادامه دهند. همچنین تمامی نهادها و ارگان ها همزمان با هم، یا کار قبلی خود را از دست دادند یا جایگاهشان در ساخت جدید هنوز تعریف نشده بود.

۴. **تخریب شبکه‌های مردمی:** شهریم قبل از زلزله از لحاظ ساخت شهری به دو قسمت نوساز و قدیمی تقسیم می‌شد. قسمت قدیمی شهر محله‌های مجاورارگ بم بود که خانه‌ها در کوچه‌هایی قرار داشتند که به ارگ ختم می‌شدند. در زلزله شهر بم محله‌های نزدیک ارگ کاملاً تخریب شد و تعداد زیاد کشته‌ها نیز مربوط به این محله‌ها بودند. در این منطقه مردم در هر مکانی و بر سر موضوعات مختلفی مانند، شغل، میزان مالکیت آب و زمین و محل سکونت، به صورت نامرئی گروه‌بندی‌هایی داشتند. این موضوعات مشترک، طوری عمل می‌نمود که روابط، به مرور زمان حالت عاطفی یافته و افراد به یکدیگر وابسته و نزدیک شده بودند و بیشتر مرادفات فرد، در داخل همین گروه‌ها صورت می‌گرفت. با بروز زلزله و تخریب مکان‌های زندگی، افراد به سختی می‌توانستند گروه‌های نامرئی خود را در بافت جدید شهر پیدا کنند.

۵. **تخریب نهاد خانواده و تغییر در ساختار آن:** در زلزله شهر بم، ۲۸۵۰ زن بی‌سرپرست شدند، بیش از ۱۸۰۰ کودک والدین شان را از دست دادند و حدود ۵۰۰۰ کودک حداقل یکی از والدین شان کشته شدند. این گونه آسیب‌ها سبب بوجود آمدن تغییراتی از جمله تغییر شکل خانواده‌ها و ایجاد برخی از مشکلات روحی و روانی ناشی از این عوامل شده است. به واقع با مرگ والدین از یک طرف، اداره امور خانواده به فرزند بزرگ واگذار شده که این واگذاری به نوبه خود مشکلات زیادی به همراه داشته است و از طرف دیگر خانواده‌های آسیب دیده که یکی از زوجین کشته شده بودند هر چند با مکانیسم‌هایی مانند ازدواج مجدد زندگی در کنار فرزندان با حمایت مالی دولت (کمیتة امداد و بهزیستی) از نظر شکل خانواده کامل می‌شدند، اما ورود همسر تازه وارد، تبعاتی را برای خانواده به همراه آورده است. در خانواده‌های بی‌سرپرستی که فرزندان آن‌ها در دوره نوجوانی و جوانی هستند، با ورود عضو تازه وارد، ناسازگاری زیادی بین آن‌ها و عضو تازه وارد مشاهده می‌شود. چنان چه در مصاحبه‌ها و مشاهداتی که توسط محقق انجام گرفت، فرزندان بی‌سرپرست، مخصوصاً آن‌هایی که مادرشان را از دست داده بودند و پدر همسر دیگری اختیار کرده بود، عنوان می‌داشتند: « وقتی آدم از مادریتم شود از پدرم یتیم می‌شود». این موضوع نشان گر نارضایتی از جو خانواده جدید و آسیب‌های روحی ناشی از آن است. در این گونه موارد بسیاری از افراد به خانواده به عنوان مأمّن و پشتیبان روانی و اجتماعی نگاه نمی‌کنند؛ بلکه بیشتر به عنوان محلی برای خوردن و خوابیدن می‌نگرند.

۶. **آسیب پذیری زنان نسبت به مردان:** جنسیت تأثیر بسزایی در میزان آسیب‌پذیری از زلزله دارد. چنان چه در شهر بم مشاهده می‌شد؛ زن‌هایی که در اثر زلزله، شوهر خود را از دست داده‌اند از نظر روحی، مالی و اجتماعی بسیار آسیب دیده و اکثراً تحت پوشش کمیته امداد قرار گرفته‌اند. بسیاری از زن‌ها، به دلیل عدم وجود کار مناسب برای آن‌ها در شهر و همچنین پایین آمدن شانس ازدواج مجدد، خود را سیاه بخت می‌دانستند. بعد از زلزله جایگاه زنان نسبت به مردان تنزل پیدا کرده بود. چرا که مردانی که زنان خود را از دست بودند دست به بازسازی جدید و اقدام به ازدواج نمودند. ولی شانس زنان برای ازدواج مجدد بعد از زلزله در شهر بم بسیار پایین آمده است. همچنین بعد از زلزله، دختران بی‌سرپرست در مقایسه با پسران بی‌سرپرست از نظر روحی دچار چالش‌های شدیدی شده‌اند، اکثر دختران بعد از زلزله از نظر اجتماعی دچار افت شده و حتی فرصت ازدواج آن‌ها نیز به دلیل از هم پاشیدگی خانواده پایین آمده است و تعدادی از آن‌ها به ازدواج‌های اجباری تن می‌دهند و تعداد دیگر نیز به علت فشارهای عصبی، خانوادگی به فکر فرار از خانه می‌افتند. زنان بعد از زلزله مسئولیت مراقبت و نگهداری از دیگران، به ویژه کودکان، را نیز بر عهده دارند و به نیازهای دیگران قبل از نیازهای خود می‌پردازند. همین مسأله موجب افت سلامتی و وضعیت عاطفی روانی آنان می‌شود.

بحث

در براینده داده‌های تجربی جمع‌آوری شده، باید اشاره داشت که اولین اثر زلزله در شهر بم ایجاد دگرگونی در محیط زندگی ساکنین این شهر است. این دگرگونی‌ها منشاء تغییر در رفتار و فروپاشی تقسیم کار اجتماعی، افول کارکردهای نهادهای آموزشی و اقتصادی و عدم ایفای نقش‌های محول نیز می‌باشد. پی‌آمدی که منجر به عدم پیروی کنش‌گران اجتماعی از هنجارهای متعارف و در نتیجه بی‌نظمی جامعه است.

یافته های برآمده از تحقیق با استناد به پیش فرض های موجود و نتایج حاصل از آزمون و سنجش معرف های واکنش های جمعی به گونه ای رقم خورده که برخلاف تصور، بعد از زلزله نه تنها همبستگی و مشارکت اجتماعی کاهش نمی یابد؛ بلکه به دلیل بازسازی شهر، چنین متغیری سیر صعودی دارد. در ادامه فرایند تحول پس از زلزله، نتایج بررسی نشان می دهد که آسیب دیدگان مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس اعتقادات و ارزش های جدید سر و سامان داده اند؛ افزایش روحیه تقدیرگرایی مابین آن ها تا آن جا افزایش یافته که، زلزله را یک نوع عذاب الهی از طرف خداوند می دانند و بر این باورند که اگر اجل فرا رسد، انسان میرا است و ساختن خانه های محکم و مقاوم کاری عبث و بیهوده خواهد بود. همچنین یافته ها بیان گر آن است که جنسیت نقش مهمی در آسیب پذیری پس از زلزله دارد و زنان نسبت به مردان در این شرایط آسیب پذیر ترند.

هدف از این گفته ها، دستیابی به این نکته است که زلزله صرفاً یک حادثه طبیعی نیست؛ بلکه به سبب آثار اجتماعی گوناگون برجای گذارده، پدیده ای اجتماعی است. فاجعه بم اوج توسعه نیافتگی کشور را برملا ساخت؛ مدت کوتاهی قبل از زلزله بم زلزله ای با شدت مشابه در ایالت کالیفرنیا آمریکا و مدت زمانی پس از بم چین رویدادی در کشور اندونزی روی داد. در زلزله کالیفرنیا تنها ساختمان قدیمی یک تئاتر تخریب و دو نفر کشته شدند و در اندونزی تعداد کشته ها ۶۹ نفر (نجان، ۱۳۷۹) گزارش شد. حال آن که در بم بر اساس گزارش صلیب سرخ از ۱۲۰ هزار نفر جمعیت ساکن شهر بم و بروات اطراف آن حدود ۳۰/۰۰۰ نفر کشته و ۶۵/۰۰۰ نفر جراحی برداشتند و ۸۵ درصد ساختمانهای شهرویران گردید. تأسف بارتر آن که بیمارستان و عمده ساختمان های دولتی نیز در زمره این ویرانی ها بودند. اما سازه هایی که ساده ترین اصول مهندسی را با توجه به زلزله رعایت کرده بودند، فرو نریختند. بررسی ها نشان می دهد، هنوز سال ها پس از زلزله حادثه دیدگان سطح بالایی از فشار روانی را تحمل می کنند؛ زیرا زلزله در درازمدت پیامدهای نظیر افت تحصیلی، ترک تحصیل، خودکشی، مصرف ناهنجار مواد مخدر، رفتارهای بزه کارانه، انزوای اجتماعی به همراه داشته. ممانعت از این پیامدها، حضور هر چه بیشتر مراکز مشاوره ای و درمانی و حمایت های ضروری و همراهی افراد خاص، مانند مسئولین دولتی، روان پزشکان، روان شناسان و مددکاران اجتماعی را ضروری جلوه می دهد. خانواده به عنوان اولین نهادی که فرد را با جریان اجتماعی شدن آشنا می کند، در جریان زلزله در زمره اولین نهادهایی است که با آسیب های جدی مواجه می شود. برای کاهش این گونه آسیب ها، پیشنهاد می شود که از یک سو فرهنگ ازدواج مجدد برای زنان و مردان همسر از دست داده، به خصوص برای زنان که به علت فرهنگ نامناسب شهر فرصت کم تری برای ازدواج مجدد دارند، ترویج گردد و به دنبال آن توجه فرهنگی فرزندان که اولیاء آن ها ازدواج مجدد کرده اند جهت پذیرش عضو جدید راهگشا است. همچنین تشویق و آموزش مردم در راستای حذف ارزش ها و هنجارهای غیر کارکردی یا کژ کارکردی از فرهنگ عمومی مانند اعتقاد به جبری بودن سرنوشت انسان، اعتقاد به مطلق بودن قضا و قدر الهی و عدم تأثیر انسان در تغییر سرنوشت خویش باید به طور ویژه در دستور کار قرار گیرد.

در پایان، با عنایت به این که کشور ایران روی کمر بند زلزله قرار گرفته و راهی جهت فرار از این موضوع وجود ندارد؛ مدیریت بحران در راستای کاهش پیامدها و آسیب های بعد از وقوع زلزله می تواند مشتمل بر موارد فوق باشد:

۱. بومی شدن مدیریت امداد و نجات؛ یعنی آموزش امداد و نجات به نیروهای بومی که در منطقه مستقرند.
۲. آگاه ساختن مردم از خطرات زلزله و تشویق در جهت تغییر محل زندگی در مناطقی که بر روی گسل قرار دارند.
۳. نظارت صحیح دولت بر ساخت و ساز و وضع قوانین و مقررات جلوگیری از سازه های اضافی و غیر استاندارد.
۴. انجام کارهای فرهنگی جهت نهادینه شدن فرهنگ ایمنی در فرهنگ عمومی مردمی.
۵. استفاده از نیروهای بومی در ساخت و سازه های پس از زلزله جهت اشتغال زایی آسیب دیدگان.

منابع

ادیبی، انصاری (۱۳۵۸). نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات جامعه.

آرون، ریمون (۱۳۸۱). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، (باقر پرهام، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
آقابخشی، حبیب الله (۱۳۸۲). منشور مددکاری اجتماعی برای بلایای طبیعی (با نگاهی به زلزله بم)، فصلنامه رفاه اجتماعی،
سال سوم، شماره ۷ ص ۱۳۳ تا ۱۴۴.

بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، (ساروخانی، مترجم). تهران: انتشارات کیهان.

پناهی، محمد حسین (۱۳۸۱). راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در عرصه فرهنگ، مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی،
جلد اول، تهران.

پیران، پرویز (۱۳۸۳). جامعه شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حادثه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال
سوم، شماره ۱۱ ص ۱۳ تا ۴۸.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۲). نظریه‌های جامعه شناسی. تهران: انتشارات سمت.

زند رضوی، سیامک (۱۳۸۴). مشارکت شهروندان در مناطق آسیب دیده در قالب اجتماعات محله‌ای برای آمادگی مواجهه با
پیامدهای حوادث طبیعی، مجموعه مقالات جامعه شناسی. مدیریت بحران (تجربه بم).

سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بم سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵. مرکز آمار ایران.

شادی طلب، ژاله (۱۳۷۱). مدیریت بحران، برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳ و ۴ ص ۱۲۵ تا
۱۵۱.

علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، تهران: سازمان شهرداری‌های
کشور.

فوردهام، مارین (۱۳۸۲). جایگاه جنسیت در آسیب پذیری ناشی از آثار و پیامدهای زمین لرزه، (مه‌دیس کامکار، مترجم).
فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱ ص ۲۶۲ تا ۲۷۵.

کوزر، لوئیس (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه شناسی. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.

گزارش اقتصادی اجتماعی استان کرمان. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، ۱۳۷۹.

گیدنز، انتونی (۱۳۸۳). چکیده آثار انتونی گیدنز. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران: انتشارات ققنوس.

محسنی، منوچهر، (۱۳۶۸). جامعه شناسی عمومی. چاپ نهم.

نجاریان، بهمن و براتی سده، فرید (۱۳۷۹). پیامدهای روان شناختی فاجعه‌ها. تهران: نشر مسیر.

Barkun, M. (۱۹۷۷). Disaster in History. Mass Emergencies.

Barkun, M. (۱۹۷۴). Disaster and the millennium, New Haven. Yale University Press.

- Bates, Frederick L. (1982).** Recovery, change and Development: A Longitudinal study of the Guatemalan. Earthquake. Athens, GA University of Georgia, USA.
- Britton, Neil H. (1987).** Toward a Reconceptualization of Disaster for the Enhancement of Social Preparation, Dynes et al. Sociology of Disasters, Milano, Franco Angeli.
- Dynes Russel, R. (1987).** Introduction, Dynes et al Sociology of Disasters. Op cited.
- Dynes Russel, R. and Quarantelli, Enrico L. (1973).** When Disasters Strikes. Sociology: Human Society. Melvin L Defleur. Etal. Glenview, Scott, Foresman Co.
- Fritz, Charles F. (1972).** Disasters. International Encyclopedia of social sciences. New York: Macmillan & Free Press.
- Quarantelli, E.L. (1996).** Just as a disaster is not simply a big accident, so a catastrophe is not just a bigger disaster. The Journal of the American Society of Professional Emergency Planner: 68-71.
- Sorokin, Pitirim A. (1942).** Man and Society in Calamity. New York: Dutton.

Sociological analysis of earthquake in City of Bam

Vahida, F. (PHD)
Soltaninejad, M. ()
Soltaninejad, A. ()

Abstract:

The consequences of the dreadful earthquake of Bam city on December, 26th, 2003, was leading to destroy it and killed more than 30,000 of its citizens and made more than thousands homeless. Although This event is not a Sociological matter basically, But different social effects after This event turn to Sociological Subject such as, interruption of organization, Social relations and Social orders, upon now we only have considered financial and body casualties relating to Social consequences. Thus, this paper try to study Sociological consequences of bam earthquake, in two parts, group reactions and social changing .In part of group reactions, 220 number of boys and girls of bam high school students have been selected by random sampling and measured them by questionnaire and in social changing part ,we measured them by observation and interviews So, findings show that after earthquake fatalist morale and social correlation and social participation have been increased among the homeless people .earthquake also has had some other social changes like disorders of division of labor, destroy of people network, family vulnerability and disagreement of structure.

Keywords: Bam, earthquake, disaster, vulnerability, social changing, group reaction.